

قیام شهید نواب صفوی و تأثیرش در پیشبرد تاریخ معاصر ما

# مبارزی که گرفتار «عقلانیت ابزاری» نشد

**دکتر سید سجاد ایزدی**  
رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی

سیدمجتبی میرلوحی معروف به نواب صفوی، بنیانگذار و رهبر «جمعیت فدائیان اسلام» است که از او کتاب «راهنمای حقایق» هم به یادگار مانده که در آن به تشریح مختصات یک «حکومت اسلامی» می‌پردازد. او به دلیل داشتن رویکرد انقلابی، دینی، ملی و امت‌محوری، بی‌شک حرکتی رو به جلو را در تاریخ معاصر ما رقم زد و نقش و عاملیت او در تحولات ملی و دینی ما امری غیرقابل‌انکار است. او همچنین، توانست در زمینه مقابله با اسرائیل، تقویت وحدت جهان اسلام و ترسیم الگویی برای تأسیس حکومت اسلامی الهامبخش باشد. مجموعه دغدغه‌ها و اقدامات شهید نواب را می‌توان بخشی از زمینه‌ها و بسترهایی دانست که در نهایت به تحقق انقلاب اسلامی منجر شد.

یکی از ویژگی‌های برجسته شهید نواب صفوی این بود که «عقلانیت» و «غیرت دینی» را توأمان به کار می‌گرفت. از آنجا که مقابله با یک نظام و حاکمیت جانر نمی‌تواند فارغ از عقلانیت باشد، چنین مبارزه‌ای نیازمند یک منطق پیشینی است و آن منطق پیشینی برای نواب، بی‌تردید، تراث و پیشینه‌ای بود که در اسلام و تشیع وجود داشت و در اقدامات خود اغلب از علما کسب تکلیف می‌کرد و در این مسیر، به نظم و منطق جامعی در خصوص جمع توأمان «ملیت» و «امت اسلامی» رسیده بود و رسیدن به چنین نظم و منطقی، بی‌تردید از رهگذر یک عقلانیت وسیع میسر و محقق می‌شد.

او هیچ‌گاه دچار عقلانیت مادی و ابزاری نشد و در چهارچوب عقلانیت می‌اندیشید و عمل می‌کرد که در «ویکرد انقلابی» موضوعیت دارد. برخی، به اشتباه می‌پندارند که «انقلابی‌گری» یا «عقلانیت» سازگار نیست؛ اما واقعیت این است که انقلابی‌گری اساساً مبتنی بر یک عقلانیت و اهداف پیشینی است که در عقلانیت ابزاری، عادی و عرفی که هزینه دادن برای یک هدف را نهی می‌کند، تفاوت دارد. عقلانیتی که متناسب با انقلابی‌گری معنا می‌شود، تحقق غایات را مقدم دانسته و شهادت در این مسیر را

ضروری می‌داند. این جنس از عقلانیت را می‌توان در جریان جنگ تحمیلی و پیروزی انقلاب هم دید و چه بسیار کسانی که با این منطق و عقلانیت جان خود را فدای انقلاب، وطن و ارزش‌ها کردند تا در نهایت دیگریانی به آسایش و آرامش برسند و عملاً تحقق جامعه مطلوب، به واسطه فدا شدن افرادی همچون سردار سلیمانی‌ها، شهدای امنیت و شهدای حرم و… محقق خواهد شد و عقلانیت آنان، عقلانیتی مبتنی بر دین و برای تأمین امنیت و آرامش مردم و تأمین جامعه‌ای مطلوب است.

با توجه به کارنامه مبارزاتی شهید نواب، «مشی جهادی» او را می‌توان در ۶ مؤلفه خلاصه کرد:

۱. «غیرت انقلابی» از برجسته‌ترین ویژگی‌های مشی جهادی شهید نواب صفوی بود. او غایتی برای فعالیت‌هایش ترسیم کرده بود و تمام تلاش‌اش را برای تحقق آن به کار می‌گرفت. بر این اساس، اگر قرار باشد «شخص انقلابی» را تعریف

و معنا کنیم، بی‌تردید، شخصی است که به وضع موجود رضایت نمی‌دهد، همواره نوگرا و به سمت جلو است، هدفی را برای خود تعریف کرده و آن را مقدس می‌شمارد، برای هدف خود هزینه می‌دهد و در راه رسیدن به آن هم عملاً ساکت نمی‌نشیند. اگر انقلابی بودن را اینگونه معنا کنیم، بنابراین یکی از ویژگی‌های نواب، مشی انقلابی او است.

۲. «وطن‌گرایی» شاخسه دیگر مشی مبارزاتی شهید نواب است. رهانیدن وطن از سلطه و استکبار یکی از دغدغه‌های محوری او بود و در موضوعاتی همچون ملی شدن صنعت نفت که عملاً هویت ملی تحت‌الشعاع قرار می‌گرفت، ورود جدی می‌کرد و برای آن هم هزینه می‌داد.

۳. شهید نواب صفوی دغدغه‌مند «امت‌اسلامی» بود. به همین دلیل برای ایجاد وحدت در جهان اسلام تلاش بسیاری می‌کرد و مبارزه با دشمن مشترک جهان اسلام یعنی رژیم صهیونیستی، چه در داخل ایران و چه در جهان اسلام، جزو اولویت‌های او بود. بنابراین برای نواب بحث «امت» و «ملیت» توأمان ضرورت داشت.

۴. مرحوم شهید نواب صفوی نسبت



به کژی‌ها و ناراستی‌هایی که در جامعه مشاهده می‌کرد بی‌تفاوت نبود و خود را موظف می‌دانست در جهت اصلاح آن اقدامی انجام دهد اما می‌کوشید تا اقدام و رفتار خود را به رای و فتوای مراجع مستند کند.

۵. «تأسیس و تشکیل حکومت اسلامی» از دغدغه‌های محوری شهید نواب صفوی بود؛ آن هم در زمانه‌ای که بحث تأسیس حکومت اسلامی اساساً مسأله عموم و خواص جامعه نبود. او جزء نخستین اشخاصی بود که «تأسیس حکومت اسلامی» را مطرح کرد و در این راستا کتاب نوشت. البته قرأت او در خصوص تأسیس حکومت اسلامی بنابر شرایط آن زمان، قرأت ناقصی بود و به تدریج و در گذر زمان به یک قرأت کامل تبدیل شد.

۶. محتوای مبارزاتی شهید نواب صفوی را می‌توان در مفاهیم و اصولی چون «انقلابی‌گری»، «نوگرایی»، «مبارزه با استکبار» و «ایجاد ملت اسلامی» خلاصه کرد که همراستا و همگام با محتوای مبارزاتی حضرت امام خمینی(ره) بود هرچند که شیوه مبارزاتی او متفاوت از حضرت امام(ره) بود. حضرت امام(ره) متناسب با علم، مرجعیت و مقبولیت علمی و عملی که داشتند سعی کردند شیوه مبارزه خود با نظام جانر را از رهگذر آگاهی‌بخشی به مردم پیش ببرند. اما شهید نواب صفوی اگرچه با همان اصول و محتوای مبارزاتی حضرت امام(ره) حرکت می‌کرد اما برای خود مسئولیت و تکلیف اجرایی هم قائل بود و به این اعتبار، اقدام‌هایی را در دستور کار خود قرار می‌داد که چندان در چهارچوب رویکرد آگاهی‌بخشی نمی‌گنجد.

البته این بدان معنا نیست که ایشان اعتقادی به این مهم نداشت و اتفاقاً در این زمینه کوشش‌هایی هم داشت ولی با این حال، بیشتر به سمت حرکت‌های مقطعی و زودگذر که به تبع آن می‌توانست نتایج کوتاه‌مدتی را به همراه داشته باشد، تمایل داشت و از آن جمله می‌توان به تلاش وی در ماجرای ملی شدن صنعت نفت اشاره کرد و به واسطه اقدام‌های مبارزاتی که

سه شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۱

سال بیست و هشتم

شماره ۸۱۰۶

«مشی جهادی» و «روحیه انقلابی» یک رهبر

## فدائیان راستین اسلام

**دکتر مهدی ابوطالبی**

استاد علوم‌سیاسی و معاون پژوهش مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)



۱. نواب صفوی شخصیتی است که فعالیت‌های پارلمانی، سیاسی و اصلاح‌گرایانه و فعالیت‌های فکری و نظری داشت و می‌کوشید تا به اندازه بضاعت خود به این پرسش که یک جامعه‌اسلامی چه مختصاتی باید داشته باشد و حوزه چگونه می‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد، پاسخ دهد. اینها ابعادی از شخصیت نواب است که کمتر مطرح شده است.

گروه فدائیان اسلام چون در کارنامه خود، چند اقدام مسلحانه داشتند، متأسفانه در تاریخ معاصر ما بیشتر از این زاویه شناخته شده است و تحت عنوان یک جریان و گروه مسلحانه شناخته می‌شوند غافل از اینکه مبارزات مسلحانه جمعیت فدائیان اسلام و شخص نواب صفوی به‌عنوان رهبر این گروه، تنها جزئی از اقدامات آنان بود.

۲. در سال ۱۳۲۰ نواب صفوی رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف شد اما به‌دلیل اوج گرفتن بحث‌های انحرافی و عقیدتی در آن زمان، به ایران بازگشت. کسروی از جمله افرادی بود که در آن ایام، بحث‌های دینی و شیعی را به چالش می‌کشید و شبهاتی را در جامعه ایجاد کرده بود و نواب از آنجا که یک طلبه بود و خود را مبلغ و عالم دینی می‌دانست، نسبت به انحرافات و شبهات دینی حساسیت داشت و با توجه به حساسیت‌هایش واکنش هم نشان می‌داد. دغدغه او نسبت به شبهات دینی، ریشه در تکلیف و وظیفه‌ای داشت که نواب به‌عنوان طلبه بر خود واجب می‌دید و چون نفوذ و رسوخ این جنس افکار و جریان‌های انحرافی را خطری جدی برای اسلام می‌دانست، تصمیم گرفت که در آن زمان به رفع این شبهات و تبیین درست مسائل دینی بپردازد و کوشید تا شخصاً با خود کسروی وارد گفت‌وگو شود. اما کسروی نه تنها حاضر به گفت‌وگو و مناظره با نواب نشد که حتی او را هم تهدید به قتل کرد. اصرار کسروی بر طرح دیدگاه‌های ارتدادآمیز و منجرفانه‌اش، نقطه شروع مبارزه نواب با جریان‌های انحرافی و عقیدتی شد و او با مشورت با استادان خود همچون علامه



منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

# گمشده در شهر

## کلانشهرها چگونه حیات ذهنی زنان را تغییر می‌دهند؟

**۱** منظور از «زنانه شدن شهر» چیست؟ آیا حضور بیشتر زنان در فضای عمومی شهر باعث زنانه شدن شهر می‌شود؟ اگر بخواییم به جایگاه



**دکتر شervin ادیبی**  
معاون مشارکت‌های مردمی ستاد پیش و راهبردی طرح‌های توسعه شهری

و سهم زن در شهر و کلانشهرهای امروزین بپردازیم قبل از هر چیزی باید ببینیم تعریف شهر چیست. «شهر» به‌عنوان طیفی از عرصه‌های عمومی و عرصه‌های خصوصی تعریف می‌شود؛ به عبارت دقیق‌تر از عرصه کاملاً خصوصی به‌نام «خانه» تا عرصه کاملاً عمومی به‌نام «خیابان» و عرصه نیمه‌عمومی به‌نام «محلّه» همگی در تعریف شهر می‌گنجد و برای اینکه کالبد و فضای شهری شکل بگیرد باید بین نیازهای شهروندان و عرصه‌های «عمومی»، «خصوصی» و «نیمه عمومی- خصوصی» تناسب ایجاد کنیم.

از منظر دیگری می‌توان شهر را مجموعه‌ای از لایه‌های مختلف تعریف کرد. این لایه‌ها، در واقع ماهیت یک شهر را شکل می‌دهد و شامل ۴ لایه اساسی اعم از کالبد شهری، مدیریت شهری، قوانین و هنجارهای حاکم بر شهر و شهروندان است. بنابراین، نوع کنشگری شهروندان در لایه‌های مختلف شهری از یک طرف و نوع حضورشان در عرصه‌های عمومی و خصوصی از طرف دیگر اساساً مفهوم شهر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بنابراین وقتی از «زنانه شدن شهر» صحبت می‌کنیم، مقصود این است که باید بین اقتضانات و خصوصیات که زن

دارد و عرصه‌ها و لایه‌های شهری ارتباط مستقیمی برقرار باشد.

اگر می‌خواهیم ببینیم که چقدر شهرهای ما متناسب با نیاز زنان طراحی شده است قبل از هر چیزی باید ببینیم چه نگاهی به زن وجود دارد و از زن چه تعریفی ارائه می‌شود؟ آیا زن بما هو زن، منظور نظر است؟ آیا منظور زنی است که در نگاه انقلاب اسلامی آمده است؟ آیا منظور زن شاغل یا زن به‌عنوان مادر است؟ اینها را باید شناسایی کرد و متناسب با آن، قوانین و هنجارها و مناسبات قدرت، فیزیک و کالبد شهر را ساماندهی کرد.

در مطالعاتی که در حوزه زنان انجام شده است، هشت شاخص؛ امنیت، راحتی، توجه به فراغت، عادلانه بودن فضای شهری، زیا بودن شهر، دوستدار کودک بودن، مشارکتی بودن و مهیا بودن فضا برای نقش‌آفرینی زنان، شناسایی شده است که کمک می‌کند تا شهر برای زنان مناسب‌تر باشد.

**۲** اما ایده جمهوری اسلامی در خصوص زن چیست؟ و این

گفتمان حضور زنان در شهر را چگونه می‌بیند؟ در گفتمان جمهوری اسلامی ما به دنبال زنی هستیم که نه شرقی است و نه غربی. در واقع ما از یک الگوی سوم حرف می‌زنیم که مقصود از آن، زن مسلمانی است که با حفظ اصول دین می‌کوشد تا در متن و مرکز بحث قرار گیرد. زنی که در عین حال که بنیان خانواده است، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی عرصه‌های جدیدی را برای کنشگری خود تعریف کرده است. بنابراین فضاها و کالبد شهری، قوانین و هنجارها، مدیریت و مناسبات میان

و هیجگاه زن بما هو زن مسأله ما نبوده

## زن

ما اغلب به زن در خانواده

پرداخته‌ایم و هیچگاه زن بما هو زن مسأله ما نبوده است. این در حالی است که در اسلام و در گفتمان انقلاب اسلامی ضمن اینکه به جایگاه زن در نقش و ظرفیت زن فراتر از خانواده پرداخته شده است. اما ما از این نگاه غافل شده‌ایم؛ به همین دلیل، برخی از مسائل مان در حوزه زنان هنوز حل نشده است.

حضرت امام خمینی(ره) بارها در دیدارهای مختلف، از زنان تحت عنوان مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۹۳ می‌فرمایند: «مسأله زن در دنیای امروز از جمله در کشور ما، یکی از مسائلی

است. این در حالی است که در اسلام و در گفتمان انقلاب اسلامی ضمن اینکه به جایگاه زن در تحکیم بنیان خانواده تأکید شده و نقش و ظرفیت زن فراتر از خانواده پرداخته شده است. اما ما از این نگاه غافل شده‌ایم؛ به همین دلیل، برخی از مسائل مان در حوزه زنان هنوز حل نشده است.

حضرت امام خمینی(ره) بارها در دیدارهای مختلف، از زنان تحت عنوان مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۹۳ می‌فرمایند: «مسأله زن در دنیای امروز از جمله در کشور ما، یکی از مسائلی

است که به جهات مختلف همچنان درخور پیگیری و تأمل و کار و فکر است. اولاً نیمی از جمعیت کشورها زنان هستند؛ چگونه می‌توان به شکل سالمی از این امکان و استعداد عظیم به نفع هر کشوری، از جمله کشور ما استفاده کرد؟ ثانیاً مسأله جنسیت که یکی از حساس‌ترین و ظرفیت‌ترین مسائل آفرینش است، چگونه می‌تواند در خدمت تعالی انسان قرار گیرد، نه در خدمت انحطاط بشر و انحطاط اخلاقی؟ ثالثاً به‌خاطر تفاوت‌های طبیعی که بین جنس زن و جنس مرد وجود دارد، چگونه می‌توان – چه در محیط اجتماعی، چه در محیط خانواده- رفتاری را نهادینه کرد و غیرقابل اجتناب کرد که به زن ظلم نشود؟

اینها مسائل بسیار مهمی است. اگر ما همین دو- سه مسأله را محور فکر و تأمل و بحث و کار قرار دهیم، یک مجموعه تلاش و کار مطالعاتی و تحقیقی و عملی را به‌دنبال خود خواهد آورد. این مسأله ظلم به زنان را کسی خیال نکند که مخصوص جوامع عقب‌افتاده یا جوامع مثلاً فرض کنید وحشی [است]؛ نه، در جوامع به‌اصطلاح متمدن امروز، این ظلم به جامعه زنان اگر بیشتر از جوامع دیگر نباشد، قطعاً کمتر نیست. خب اینها مسائل مهمی است؛ اینها باید رسیدگی شود، به اینها باید پرداخته شود.»

حلال باید بسنجیم و ببینیم ما امروز چقدر با کلام حضرت امام(ره) و دیدگاه مقام معظم رهبری فاصله داریم؟ از یک جایی به بعد (شاید از برنامه سوم توسعه) به تدریج واژه‌ها و مسأله‌ها مصادره شد و باعث شد تا افراد از پرداختن به مسأله زن باز نمانند و امروز مسأله زن در شهر به معضل بدل شود. خلأ نظری ما در این حوزه آنقدر قوی است که وقتی حتی یک زن در مقام مدیریت قرار می‌گیرد نمی‌تواند در عالی‌ترین ظرفیت خود ظاهر شود چون آن زن مدیر به دلیل نداشتن تصویری از «زن مدیر انقلاب اسلامی» نمی‌داند که دقیقاً چه باید بکند. و طبیعتاً در حوزه «شهر و زن» نیز از چنین خلأهای نظری رنج می‌بریم و همین باعث عدم تناسب کالبد و فضای شهر با هویت زنان می‌شود.

**\*مکتوب حاضر، متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر یخشی در پانزدهمین نشست از سلسله نشست‌های «مسأله شهر» با موضوع «شهر و زن؛ کلانشهر چگونه حیات ذهنی زنان را تغییر می‌دهد؟» است که در محل پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی ارائه شد.**